



Iran's Criminal Policy making Regarding Hate Crimes, from the criteria of desirability to the existing challenges

Mosayeb Ghadami Azizabad¹, Seyed Ebrahim Godsi^{2*}, Azade Sadeghi³

1. PhD student in criminal law and criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. Email: mosayeb.ghadami@yahoo.com

2. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author): Email: ghodsi@umz.ac.ir

3. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology at Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: sadeghiazade@yahoo.com

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 69-77

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5273-4802

Email: ghodsi@umz.ac.ir

Article history:

Received: 31 Jul 2024

Revised: 10 Dec 2024

Accepted: 31 Dec 2024

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

hate crimes, "penal policy", "victim",
"repeated Article 499 of the Islamic
Penal Code.

ABSTRACT

Hate crimes have been taken into consideration in the criminal policies of most countries for several reasons, such as conflict with the equal rights of human beings, ignoring the right to be different, and in more acute conditions, creating social unrest in societies. The traditional policies that have emphasized the severity of punishment for these crimes are being transferred to alternative policies such as restorative justice. In this article, the materials have been collected from library sources and analyzed in an analytical-descriptive way. Iran's criminal policy in relation to these crimes is in the earliest stages of policy formulation, so that except for the limited references to this crime in some laws, such as repeated Article 499 of the Islamic Penal Code approved in 2012 and the Penal Law for the Prohibition of Racial Discrimination in 1977, There is no coherent policy in this regard, the most important challenges of Iran's criminal policy regarding these crimes are the lack of recognition and definition of them, the lack of criminal statistics, the predominance of discourse, the absence of divisions in society, the fundamentalization of mainstream values and the emphasis on policies Traditional criminal justice is like not paying attention to the victim of these crimes, however, the most important stage of Iran's penal policy that should be considered is the recognition of these crimes and the presentation of statistics of criminal behavior motivated by hatred in order to design a consistent criminal policy based on the accepted definition.



This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Ghadami Azizabad, M., Godsi, S. E., Sadeghi, A. (2026). "Iran's Criminal Policy making Regarding Hate Crimes, from the criteria of desirability to the existing challenges". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(1): 69-77.



دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

سیاستگذاری کیفری ایران در رابطه با جرایم ناشی از نفرت، از معیارهای مطلوبیت تا چالش‌های موجود

مصیب قدمی عزیزآباد^۱، سید ابراهیم قدسی^۲، آزاده صادقی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول): ghodsi@umz.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

جرایم ناشی از نفرت به دلایل متعددی همچون تعارض با حقوق برابر انسان‌ها، نادیده انگاری حق بر متفاوت بودن و در شرایط حادث‌تر ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی در جوامع، در سیاستگذاری‌های کیفری اغلب کشورها مورد توجه قرار گرفته است و بعضاً سیاست‌های سنتی اتخاذی که بیشتر بر شدت مجازات این جرایم تأکید داشته‌اند در حال انتقال به سیاست‌های جایگزین مانند عدالت ترمیمی می‌باشند. در این مقاله مطالب از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. سیاست کیفری ایران در رابطه با این جرایم در ابتدایی‌ترین مراحل تدوین سیاستگذاری می‌باشد به نحوی که به استثناء اشارات محدودی که از این جرم در برخی قوانین مانند ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات منع تبعیض نژادی ۱۳۵۶ به عمل آمده، سیاست منسجمی در این باره وجود ندارد، مهمترین چالش‌های سیاست کیفری ایران در مورد این جرایم عدم شناخت و نبود تعریفی از آنها، نبود آمار جنایی، غلبه گفتمان نبود شکاف در جامعه، اساسی سازی ارزش‌های جریان اصلی و تأکید بر سیاست‌های کیفری سنتی همچون عدم توجه به قربانی این جرایم می‌باشد، با این حال مهمترین مرحله سیاست کیفری ایران که باید مورد توجه قرار گیرد شناخت این جرایم و نیز ارائه آمار از رفتارهای مجرمانه با انگیزه نفرت در جهت طراحی سیاست کیفری منسجم بر اساس تعریف پذیرفته می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۹-۷۷

اطلاعات نویسنده مسئول

کد ارکید: ۴۸۰۲-۵۲۷۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

ایمیل: ghodsi@umz.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم ناشی از نفرت، سیاست کیفری، قربانی، ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی.



مقدمه

از جمله سیاست‌های جوامع به منظور تأمین امنیت و حفظ نظم، جرم‌انگاری و به تبع آن کیفرگذاری است، به این معنی که سیاستگذاران با توجه به شدت گرفتن برخی انحرافات و دور شدن آنها از ارزش‌های حاکم بر جامعه با سیاست جرم‌انگاری به دنبال اعاده نظم عمومی (کلارکسون، ۱۳۹۸: ۱۴) و نشان دادن توان خود در کنترل ناهنجاری‌ها هستند. غالباً سیاستگذاری متعارف فارغ از هرگونه جانبداری با هدف تأمین امنیت تمامی اقشار جامعه طراحی و عملیاتی می‌شود و به همین دلیل تمامی بدنه اجتماع رویکرد حمایتی در قبال آن دارند. با این حال سیاستگذاران کیفری در قبال برخی جرایم مانند جرایم با انگیزه نفرت (جرایم ناشی از نفرت) رویکرد متفاوتی از سیاست‌های معمول را در پی می‌گیرند. امری که بیش از آنکه تحت تأثیر دیدگاه‌های متخصصین علوم جنایی، جامعه‌شناسی و روانشناسی و .. باشد، متأثر از نوع حکومت‌ها است. به این معنی که نوع حکومت‌ها از حیث سیاسی، مذهبی و دموکراتیک بودن یا نبودن باعث اتخاذ سیاست‌های کیفری متفاوت و بعضاً عدم سیاستگذاری و انکار این ناهنجاری‌ها و بی تفاوتی نسبت به آنها برای جرم تلقی کردن می‌شود. در واقع میزان انعطاف سیاسیون به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در حوزه سیاستگذاری کیفری در قبال میزان رسمیت بخشیدن به «حق بر متفاوت بودن»^۱ انسان‌ها موجب تصمیم‌گیری‌های متفاوتی می‌شود، از تصمیم برای گسترش چتر حمایتی از افراد دارای ویژگی متفاوت تا اقدام برای اتخاذ سیاست انکار و تلاش برای تلقی کردن و استحاله اقلیت‌ها در اکثریت مورد حمایت خود می‌باشد.

در تعریف جرم ناشی از نفرت آمده است که «جرم ناشی از نفرت ممکن است به عنوان اعمال خشونت‌آمیز با انگیزه دشمنی علیه افراد و گروه‌ها به دلیل نژاد، قومیت، مذهب، منشاء ملی یا وضعیت مهاجرت یا جنسیت، گرایش جنسی، ناتوانی (برای مثال ابتلا به ویروس HIV) و سن تعریف شود» (Maroney, 1998: 563) و یا هر «... تخلف کیفری با انگیزه نفرت بر اساس نژاد، منشاء ملی یا قومی، زبان،

رنگ، مذهب، جنس، سن، ناتوانی ذهنی یا جسمی، گرایش جنسی یا هر عامل مشابه دیگر» (Mc Donald, Hogue, 2007: 8) با این حال می‌توان این جرم را چنین تعریف نمود؛ هرگونه رفتار مجرمانه علیه افراد یا گروه‌هایی با ویژگی متفاوت (رنگ، جنس، جنسیت، گرایش جنسی، قومیت، نوع پوشش، نژاد، ملیت، ناتوانی، ایدئولوژی، طرفداری و...) به دلیل داشتن آن ویژگی متفاوت. در نظام سیاستگذاری کیفری ایران سیاستگذاران در قبال جرم ناشی از نفرت، سیاستی کمینه^۶ و مبتنی بر رویکرد انکار در قبال برخی افراد و گروه‌های دارای وجه متفاوت از اکثریت جامعه در پیش گرفته اند که بیشتر نشأت گرفته از اساسی‌سازی معیارهای مورد پذیرش و ایدئولوژی حاکم بر جامعه می‌باشد. این در حالی است که سیاستگذاری در قبال جرایم ناشی از نفرت برای تضمین همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق همه افراد نیازمند خصیصه‌هایی چون؛ گستردگی چتر حمایتی از اقلیت‌ها در قانون، نفی هرگونه جرم با انگیزه نفرت و تعصب، کیفرگذاری صلح محور و مبتنی بر حمایت از قربانی و مجرم می‌باشد. حال سؤال این است که برای تحقق اهدافی چون حمایت از قربانی جرایم ناشی از نفرت و حفظ نظم و یکپارچگی جامعه چه سیاستگذاری می‌تواند نتیجه‌بخش باشد؟ در این پژوهش سعی شده است با استفاده از منابع

^۲ قتل پارسا پسر ۱۷ ساله تبریزی توسط پدرش به دلیل «رفتار و آرایش زنانه» و «ابطال با همجنس خود» در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۴۰۲ (پایگاه خبری خلیج فارس، ۱۴۰۲).

^۳ قتل شهردار چراغی پسر ۹ ساله مبتلا به اتیسم توسط پدرش در تاریخ ۶ بهمن ۱۴۰۲ (پایگاه خبری تحلیلی دیدبان ایران، ۱۴۰۲)، باوجود اینکه هنوز اطلاع دقیقی از روند این پرونده و انگیزه قاتل در دسترس نمی‌باشد، در صورتی که معلوم گردد که وجود بیماری اتیسم انگیزه قتل بوده است بدون تردید از مصادیق جرایم ناشی از نفرت می‌باشد.

^۴ قتل مرد ۲۰ ساله که پاکبان شهرداری بوده به دنبال پرت شدن از روی پل در تهران با این انگیزه که قاتل تصور کرده است مقتول که در حال تمییز کاری روی پل بوده است قصد اهانته به پرچم ایران را دارد (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۱۴۰۲).

^۵ از نمونه جرایم ناشی از نفرت با انگیزه طرفداری می‌توان به کورشدن چشم یکی از هواداران فوتبال در سال ۱۳۹۷ در بازی بین تیم‌های استقلال تهران و خونه به خونه بابل (پایگاه خبری جماران، ۱۳۹۷/ ۱۲/ ۱۵)، کوری چشم و زخمی شدن یکصد و پنجاه نفر از هواداران در بازی فوتبال تیم‌های پرسپولیس و سپاهان در سال ۱۳۹۸ (خبرگزاری دانشجو/ ۰۹/ ۰۶/ ۱۳۹۸) و... اشاره نمود.

^۶ minimum policy

^۱ right to be different

اصلی بزه‌دیدی را نمایان سازد بازمانده‌اند، در واقع نویسندگان محافظه‌کارانه به موضوع پرداخته و تحلیل خود را به سطح قوانین کیفری محدود نموده‌اند. لذا پژوهش حاضر با تمرکز بر سیاستگذاری کیفری جرایم ناشی از نفرت نه تنها از جامعیت قابل توجهی برخوردار است بلکه در به تحلیل گذاشتن مقررات قانونی مرتبط با جرم ناشی از نفرت پیشگام و دارای نوآوری می‌باشد.

در این مقاله بعد از بیان مبانی تحقیق، مؤلفه‌های سیاستگذاری مطلوب و چالش‌های سیاستگذاری کیفری در رابطه با جرایم ناشی از نفرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مبانی سیاستگذاری کیفری در رابطه با جرایم ناشی از نفرت

در ذیل این عنوان به بیان مهمترین چارچوب‌های سیاستگذاری کیفری در رابطه با جرایم ناشی از نفرت پرداخته شده است.

۱-۱- پیشگیری از شکاف و حفظ یکپارچگی اجتماعی

وقوع جرایم کم و بیش نظم عمومی و امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما در برخی جرایم مانند جرایم ناشی از نفرت که هدف^۱ بیش از آنکه یک شخص باشد، یک ویژگی جمعی مانند جنسیت، رنگ، نژاد، ایدئولوژی و ... می‌باشد، علاوه بر مخدوش کردن نظم عمومی، ظرفیت و زمینه‌های تشنج و اختلاف در جامعه را نمایان می‌کند و «ممکن است مانعی برای اتحاد^۲ و هماهنگی^۳ در جامعه باشد» (Han, Riddell, Piquero, 2023: 3515)، به این معنی که انگیزه در این جرایم مبارزه و نفی متفاوت بودن قربانی است و از آنجایی که این متفاوت بودن در تمامی اعضای گروه مورد هدف وجود دارد، وقوع هر جرم پیام هشدار است برای سایر اعضای گروه که ممکن است روزی قربانی این گونه جرایم شوند. این ترس خود می‌تواند زمینه فاصله‌گیری از جریان اصلی^۴ و بروز تعارضات فرهنگی،

کتابخانه‌ای با ورود در تمامی مجاری سیاستگذاری کیفری ایران در قبال جرایم ناشی از نفرت ضمن توصیف سیاستگذاری‌های کیفری، چالش‌ها و مؤلفه‌های مطلوب سیاست کیفری در نظام کیفری ایران مورد تحلیل و انتقاد قرار گیرند، لذا روش تحقیق در این پژوهش روش تحلیلی - توصیفی می‌باشد و از آنجایی که یکی از مهمترین محدودیت‌های این تحقیق نبود آمار از این‌گونه جرایم در کشور می‌باشد صرفاً با روش کیفی به تحلیل مطالب گردآوری شده پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق؛ ساعی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیاستگذاری در قبال جرایم ناشی از نفرت در ایران، تلاقی ارزشهای جمعی و باورهای فردی» به بررسی مختصر بسترهای اجتماعی جرایم ناشی از نفرت در حقوق کیفری ایران پرداخته و اشاره‌ای سطحی به برخی نظریات جرم‌شناسی از قبیل نظریه انحرافات مرتون، نظریه فشار و ... نموده‌اند. با این حال از تحلیلی جامع از سیاست کیفری و پرداختن به مقررات جدیدی چون ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ غافل مانده‌اند. شیروی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبعی بر لزوم حمایت از سلامت معنوی زنان بزه‌دیده جرم‌های برخاسته از نفرت در سامانه عدالت جنایی» ضمن انتقاد از سیاست کیفری ایران که در آن نسبت به حمایت معنوی و روانی از زنان بزه‌دیده جرایم ناشی از نفرت با بی‌برنامگی و فقدان استراتژی و بیشتر بر مجازات بزه‌کار متمرکز است توجه به عدالت ترمیمی در قبال بزه‌دیدگان زن جرایم ناشی از نفرت را بسیار مهم تلقی نموده است با این حال نویسنده از تحلیل عمیق ریشه‌های یکجانبه‌گرایی حقوق کیفری و تمرکز بر صرف مجازات و عدم توجه به زنان بزه‌دیده جرایم ناشی از نفرت غافل مانده است. قورچی بیگی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر بایسته‌های سیاست کیفری بزه‌دیده مدار در جرایم ناشی از نفرت» نقطه ثقل پژوهش را بزه‌دیده جرایم ناشی از نفرت در سیاست کیفری قرار داده‌اند و بیان داشته‌اند که سیاست کیفری باید مبتنی بر نیازهای بزه‌دیده و همچنین دارای ضمانت اجرای مناسب باشد با این حال از ارائه یک سیاست کیفری جامع بزه‌دیده‌محور که علل و ریشه‌های

¹ target

² unification

³ harmony

⁴ main stream

۱-۳- احترام به حقوق بشر

یکی از مبانی حقوق بشر برابری تمامی شهروندان از لحاظ حقوقی است^۳، به این معنی که همه انسان‌ها از بدو تولد دارای حقوق برابر می‌باشند و هیچ‌گونه تبعیضی در برخورداری از حقوق وجود ندارد، حال جرایم ناشی از نفرت «نقض حقوق بشر است و با ارزش اجتماعی اساسی برابری همه افراد در تعارض است» (Kingspor, 2008: 40) و از طرفی «موجب رعب و وحشت می‌شوند و از طریق این احساس، قربانیان خود را کنترل و دستکاری»^۴ [روانشناسی] می‌کنند و به طور مؤثر دسترسی به فضاها و حتی مناطق عمومی، آموزشی و فرصت‌های شغلی را محدود می‌کنند. (Boeckmann, 2002: 221) فراوانی این جرایم و شدت و ضعف آنها تابعی از میزان پایداری حکومت‌ها به حقوق بشر و احترام به حق بر متفاوت بودن است. اما حمایت از حق بر متفاوت بودن و مصون بودن از تعرضات نسبت به اقلیت‌ها نیازمند یک سیاست کیفری مطلوب می‌باشد تا بتوان از این طریق جبریت^۵ برتری بودن گروه‌های غالب و در معرض خطر بودن اقلیت‌ها را تعدیل نمود. موضوع مهمی که در رابطه با مبانی حقوق بشری جرایم ناشی از نفرت قابل ذکر است این است که ممکن است چنین تلقی شود که جرایم ناشی از نفرت از آنجایی که بعضاً از جانب اشخاص حقیقی ارتکاب می‌یابند نقض حقوق بشر نمی‌باشند، چرا که فقط دولت‌ها یا بازیگران قدرتمند می‌توانند حقوق بشر را نقض کنند، اما واقعیت امر این است که آنچه مهم است تبعیض و تحقیر و محرومیت از حقوق است که با ارتکاب این جرایم نیز حاصل و نقض حقوق بشر محقق می‌شود. (Brudholm, 2014: 89-91) بنابراین این جرم چه از جانب اشخاص

اجتماعی و رشد نارضایتی‌ها را در پی داشته باشد. از این رو با اعمال سیاست‌های کیفری مبتنی بر جبران خسارت بزه‌دیده، بازپروری مجرمین و نیز سیاست‌های که بر برابری و ارزشمندی تمامی افراد تأکید داشته باشند می‌توان از سوق دادن جامعه به سمت فروپاشی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جلوگیری نمود. از نظر برخی نویسندگان چون هِرک^۱ جرایم ناشی از نفرت نوعی تروریسم محسوب می‌شود. (Boeckmann, Petrosino, 2002: 221) چرا که رعب و وحشت این جرایم نه تنها اقلیت‌ها و گروه‌های مورد هدف را در استرس قربانی شدن و عدم آرامش قرار می‌دهد بلکه سایر اقلیت‌هایی را که دارای ویژگی‌های متمایز از گروه اکثریت خود می‌باشند را در وحشت و اضطراب امکان قربانی شدن قرار می‌دهد.

۱-۲- پیشگیری از بازگشت به عدالت کیفری خصوصی

با وقوع جرایم ناشی از نفرت اگر حمایت‌هایی در قالب کیفردهی و یا ارتقاء جایگاه اقلیت‌ها در قوانین از قربانی و گروه وی به عمل نیاید و وضعیت بی‌کیفری حاکم گردد، قربانی و گروه اقلیت حامی وی ممکن است این تحریک، انزجار و نابرابری تحمیل شده را در قالب‌هایی چون انتقام‌گیری (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیکی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) در قالب اقدامات تروریستی یا انتقام‌های فردی نشان دهند، در واقع قربانی این جرایم زمانی که دستگاه عدالت کیفری را به عنوان پشتیبان نداشته باشند، برای بقاء خود اقداماتی تلافی‌جویانه^۲ و غیر همسو با نظام دادگستری امروزی که دادخواهی در محاکم می‌باشد را انجام می‌دهند که نتیجه آن جز هرج و مرج نخواهد بود. بنابراین سیاستگذاری کیفری در مورد این جرم اگر همراه با شناخت طرفین این جرم و مبتنی بر واقعیت‌های حاکم بر جوامع و دوری از دیوارهای تعصب سیاستگذاران باشد نه تنها خطر دادگستری خصوصی را در جوامع دفع می‌کند بلکه اعتماد جامعه به دستگاه عدالت کیفری را برای پیگیری این جرایم را به دنبال خواهد داشت.

^۳ برابری انسان‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، پیمان‌نامه بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل و دیگر مقررات بین‌المللی و ملی مورد پذیرش قرار گرفته است.

^۴ manipulate: دستکاری روان‌شناسی عبارت است از رفتاری که برای تحت کنترل در آوردن، تأثیرگذاری و استثمار دیگران استفاده می‌شود. (potter, 2006: 140)

^۵ determinism

^۱ Herek

^۲ retaliatory

حقیقی یا حقوقی اتفاق بیفتد تعرض به کرامت انسانی و نقض حقوق بشر می‌باشد.

۲- مؤلفه‌های سیاستگذاری کیفری مطلوب در رابطه با جرایم ناشی از نفرت

در ذیل این مبحث مؤلفه‌های سیاستگذاری مطلوب در رابطه با جرایم ناشی از نفرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲- رویکرد حداکثری به جرایم ناشی از نفرت

جرایم ناشی از نفرت برای تمامی جوامع یک چالش بزرگ محسوب می‌شوند. (Brax, Munthe, 2015: 1688) به همین دلیل در دهه‌های اخیر این جرایم به عنوان واقعیتهای اجتماعی - حقوقی مورد توجه اغلب سیاستگذاران کیفری جهان قرار گرفته‌اند، و قانونگذاران کشورها برخوردهای متفاوتی با این نوع جرایم داشته‌اند؛ جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان قانونگذاری با وجود اینکه بعضاً وجود قانون جرایم ناشی از نفرت و اتخاذ سیاست‌های افتراقی در این باره را مخالف برخی مصالح دانسته‌اند.^۱ اما چاره‌اندیشی در مورد آن را غیرقابل انکار دانسته‌اند و خصوصاً اتخاذ سیاست‌های کیفری در این باره مورد توجه تمامی حامیان وضع قانون در مورد جرایم ناشی از نفرت بوده است. این جرایم از آنجایی که به دلیل نفرت برانگیز بودنشان آسیب زیادی را به جوامع وارد می‌کنند (Mcpheail, 2000: 649). باید به گونه‌ای جامع و با رویکردی حداکثری مورد توجه سیاستگذاران کشورها قرار گیرند، به این معنی که هم در

^۱ برخی مخالفین تدوین قانون جرایم ناشی از نفرت مانند جاکوبز و پوتر معتقدند که صرف تدوین قوانین نمی‌تواند موجب شود که مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه برطرف شود، و در مورد این جرایم تدوین و اجرای قوانین خاص در مورد آنها (جرایم ناشی از نفرت) خود می‌تواند موجب تعارض و فشار اجتماعی (social strain) شود. (Jacobs, Potter, 1997: 41) برخی نیز مانند مالکون معتقدند وضع قوانین راجع به جرایم ناشی از نفرت و یا جرم‌انگاری در قوانین عام به عنوان جرم ناشی از نفرت با وجود تعیین یک هنجار ارزشمند و لایق حمایت از جانب دولت و بدنه اجتماع با مخالفت‌های جدی هم رو به رو است، که مهمترین این مخالفت‌ها این است که قوانین جرایم ناشی از نفرت یک پیام نمادین (symbolic message) را به گروه‌های اقلیت و به حاشیه رانده ارسال می‌کند که آنها به موجب این قوانین با سایر افراد برابر هستند و این ارسال پیام برابر بودن به این معنی است که فارغ از برابری ذاتی انسان‌ها وجود این قانون خلاءهای موجود حقوقی این گروه‌ها با جامعه متعارف را پر می‌کند. (Malcom, 2021: vi).

شمول اقلیت‌ها و هم در شمول جرایمی که با انگیزه نفرت در دایره این جرایم قرار بگیرند گستردگی و جامعیتی وجود داشته باشد. رویکرد نسبت به این جرایم در کشورهای پیشگام یک رویکرد حداکثری است.^۲ در اینجا سوالی که مطرح می‌شود این است که اقلیت کیست؟ و چه اقلیت‌هایی داخل در تعریف جرایم ناشی از نفرت قرار می‌گیرند و متعاقباً مشمول سیاست‌های اعمالی می‌باشند؟ در پاسخ باید گفت که اقلیت^۳ در برابر اکثریت^۴ واژه‌ای است که غالباً دلالت بر کمیت دارد و در تعریفی که توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ارائه شده، آمده است که «اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی به هر گروهی از افراد گفته می‌شود که کمتر از نیمی از جمعیت کل قلمرو یک کشور را تشکیل می‌دهند که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشترک فرهنگ، مذهب یا زبان یا ترکیبی از هر یک از اینها هستند»
(<https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-minority-issues/about-minorities-and-human-rights>). اما به نظر می‌رسد با وجود اینکه غالباً اقلیت نمود تعداد کم افراد از یک اجتماع یا جامعه است، شاید بتوان اقلیت و اکثریت را بر اساس میزان قدرت تقسیم‌بندی نمود و اقلیت را میزان کم قدرت یک گروه دانست فارغ از اینکه از حیث تعداد دارای جمعیت بیشتر یا کمتر باشد. در واقع در جهان امروز کمیت دیگر به مانند سابق نمی‌تواند تنها عامل قدرت باشد بلکه وجود قدرت سیاسی، رسانه‌ای و اقتصادی در دست تعداد محدودی از انسان‌ها می‌تواند موجب تلقی اکثریت از آنها گردد. بنابراین اقلیت را نمی‌توان صرفاً منحصر به کمیت دانست بلکه قدرت را در کنار کمیت باید دو عامل تعیین کننده و مشخص اقلیت از اکثریت دانست.

نکته مهم دیگر این است که چه اقلیت‌هایی باید در تعریف جرایم ناشی از نفرت قرار گیرند، بدون تردید فلسفه تدوین قوانین جرایم ناشی از نفرت و چرایی جرم‌انگاری این جرایم بر این موضوع مبتنی است که تمامی افراد و گروه‌های اقلیت اگر با انگیزه تعلق داشتن به یک اقلیت مورد ارتکاب اعمال

^۲ در کشورهایی نظیر انگلیس و آمریکا رویکرد حداکثری در پیش گرفته شده است.

^۳ minority

^۴ majority

مجرمانه قرار گیرند مشمول تعریف جرایم ناشی از نفرت و وارد دایره حمایتی سیاستگذاران خواهند بود. گستردگی مشمول و تعریف جرایم ناشی از نفرت از نظر بسیاری از نویسندگان یک فضیلت محسوب می‌گردد (Green, et al, 2001: 481).

در ایران اولین سیاست کیفری که در حمایت از گروه‌های نژادی، قومی و جنسی مقرر شد قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی است که در سال ۱۳۵۶ به تصویب رسید، در این قانون جرایمی چون نشر افکار مبتنی بر تبعیض نژادی یا جنس و نفرت نژادی با وسایل تبلیغ عمومی، هرگونه مساعدت مانند مساعدت مالی، تشکیل، اداره و عضویت در گروه‌هایی که به منظور تبلیغ تبعیض بر اساس نژاد، قوم، جنس با هدف ایجاد نفرت و دشمنی و ایجاد نفاق تشکیل شده باشند را جرم‌انگاری نموده، امری که گرچه مستقیماً به ارائه تعریف و بررسی جرم ناشی از نفرت نپرداخته است لیکن اقدامی در راستای سیاست جنایی کارآمد و پیشگیری از نشر افکاری بوده که امنیت ملی را به مخاطره می‌انداخته‌اند. در ایران سیاستگذاری راجع به جرایم ناشی از نفرت با وجود غیرقابل انکار بودن ارتکاب عناوین مختلف مجرمانه با انگیزه نفرت علیه اقلیت‌ها، یک سیاستگذاری حداقلی می‌باشد، به این معنی که هم گستره جرایمی که ممکن است با انگیزه نفرت علیه فرد یا گروه اقلیتی ارتکاب یابند محدود است، به طور مثال در جدیدترین اقدام قانونگذار درباره جرایم ناشی از نفرت در ماده 499 مکرر قانون مجازات اسلامی صرفاً جرم توهین را جرم‌انگاری نموده است و لاغیر، و هم گستره اقلیت‌های مشمول جرایم ناشی از نفرت بسیار محدود می‌باشند به نحوی که مطابق ماده مذکور فقط محدود به قومیت‌های ایرانی، ادیان و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی می‌باشد و دیگر اقلیت‌ها مورد حمایت قرار نگرفته‌اند، از طرفی ارتکاب توهین نسبت به اقلیت‌های مذکور منوط به آن است که مرتکب قصد خاص ایجاد خشونت و تنش در جامعه را داشته باشد و یا با علم به وقوع آن انجام داده باشد و نیز جرم مذکور برخلاف جرم توهین معمول که در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان جرمی مطلق مقرر شده جرمی مقید به نتیجه وقوع خشونت یا تنش در جامعه می‌باشد. در

واقع قانونگذار ایران در این ماده محدودترین تعریف از جرم ناشی از نفرت را پذیرفته است و می‌توان این جرم را با توجه به متن ماده مذکور به این نحو تعریف نمود؛ ارتکاب جرم توهین با قصد ایجاد خشونت و تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن علیه قومیت‌های ایرانی و ادیان و مذاهب مصرح در قانون اساسی چنانچه منجر به خشونت و یا تنش شده باشد. چنین سیاستی در پرتو ایدئولوژی مسلط حاکم بر جامعه و اساسی‌سازی حمایت از ایدئولوژی خاص و انکار هرگونه ظرفیت اختلاف با اقلیت‌ها و صرفاً در راستای اهدافی خاص چون پیشگیری از اقدامات جدایی طلبانه قومیت‌ها در نتیجه توهین سیاستگذاری شده است. شاید بتوان روشن‌ترین و جدی‌ترین مقرر (فروقانونی) در رابطه با جرایم ناشی از نفرت را بند ۱ ماده ۶۷ مقررات انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ مصوب مجمع عمومی فدراسیون فوتبال دانست که بیان داشته «هر شخص مشمول این مقررات که ارزش‌های انسانی یک شخص یا گروه را از طریق الفاظ تحقیرآمیز یا به دلیل رنگ پوست، نژاد، زبان یا قومیت، مذهب و مواردی از این قبیل مورد خدشه و تعرض قرار دهد چنانچه بازیکن، یکی از مقامات رسمی یا یکی از مقامات رسمی مسابقه باشد متحمل محرومیتی به میزان حداقل پنج مسابقه و حداقل سیصد میلیون ریال جریمه نقدی خواهد شد.» این مقرر گرچه مصوبه مجلس شورای اسلامی نیست و نمی‌توان عنوان قانون بر آن نهاد و صرفاً در رابطه با افراد مشمول این مقررات (بازیکنان فوتبال، تماشاگران، مقامات رسمی و مقامات رسمی مسابقه) است، لیکن در راستای سیاستگذاری در رابطه با جرایم ناشی از نفرت بسیار حائز اهمیت است.

۲-۲- چند بعدی بودن سیاست‌های کیفری

مهمترین خصیصه تمامی سیاستگذاری‌های کیفری این است که رویکردی چندبعدی داشته باشند، به این نحو که نتیجه آن نه صرفاً سرزنش مجرم و یا بازدارندگی عمومی باشد، بلکه بازپروری مجرم و ترمیم خسارات وارده به قربانی و همچنین اطمینان دادن به جامعه برای کاهش ریسک تکرار جرم مهم‌ترین ابعاد سیاست کیفری هستند. حال از آنجایی که در سیاست جنایی شدیدترین و برجسته‌ترین پاسخ در برابر

مجرمین پاسخ کیفری می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۴: ۸) اهمیت این موضوع نیازمند شناخت پدیده مجرمانه و برآورد کمیت و کیفیت آن و همچنین امکان سنجش‌پذیری این سیاست‌ها می‌باشد، چرا که سنجیدن سیاست‌های کیفری از یک طرف نقایص سیاست‌های حاکم را به سیاستگذاران نشان می‌دهند و از طرفی امکان انتقال به سیاست‌های متفاوت‌تر و دارای بهره‌وری بیشتر همچون عدالت ترمیمی را می‌دهند.

در سیاست کیفری ایران در رابطه با جرایم ناشی از نفرت به دلیل رویکرد سنت‌گرایی، نقش پوپولیسم کیفری و اصرار بیش از اندازه بر سزادهی مجرم و تأمین نظم و امنیت جامعه از قبیل اجرای مجازات‌ها از حیث تئوری و تحلیل اقدامات انجام گرفته در حوزه عدالت کیفری یک سیاست تک بُعدی است، این در حالی است که «جرایم ناشی از نفرت موجب می‌شوند که قربانی مستقیم حمله از فشار روانی چون افسردگی، اضطراب و احساس آسیب‌پذیری بالا و فقدان مراقبت و بازاندیشی غیر ارادی در مورد یک واقعه رنج ببرد.» (Freilich, Chermak, 2013: 12) و بنابراین دامنه‌ی خطرناکی این جرایم به نسبت جرایم سنتی که فاقد انگیزه نفرت هستند گسترده‌تر است و این گستردگی یکی از مهمترین معیارها برای نواندیشی و تعقل‌گرایی و جداشدن از سنت‌های نسنجیده در سیاستگذاری کیفری در این حوزه می‌باشد.

نکته مهمی که در سیاست کیفری ایران در مورد جرایم ناشی از نفرت قابل ذکر است، قدرت کارفرمایان اخلاقی^۱ در جامعه ملی-مذهبی و نقش پررنگ آنها در عرصه سیاستگذاری می‌باشد. این کارفرمایان اخلاقی غالباً درک درستی از کیفر و اهداف آن ندارند و همیشه معمولترین سیاست‌ها را پشتیبانی می‌کنند، سیاست‌هایی که کمترین توجه را به موضوعاتی چون ترمیم خسارات وارده به مجرم و پیشگیری از تکرار جرم از طریق بازاجتماعی کردن مجرم را دارند. کارفرمایان اخلاقی در قبال جرایم ناشی از نفرت نقش دوگانه‌ای دارند، از طرفی

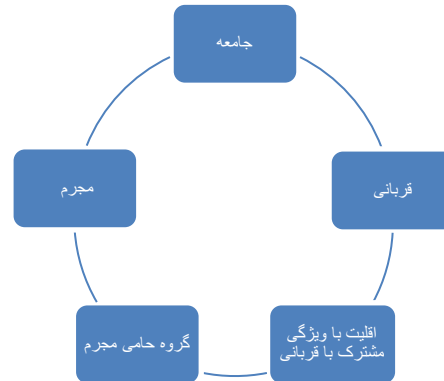
ایدئولوژی مود حمایت خود را به نحو بارزی پشتیبانی می‌کنند و در پی اعمال شدیدترین پاسخ برای آنها می‌باشند برای مثال در ماده 499 مکرر قانون مجازات اسلامی مقرر شده است «...چنانچه مشمول حد نباشد ...»، این عبارت یک تأکید مضاعف در ممنوعیت توهین به مقدسات مذهبی و ارتکاب جرم ساب‌النبی است. اعمالی که در موارد دیگری جرم‌نگاری شده‌اند اما در جهت تأکید و پیشبرد اهداف خود از مجاری سیاست کیفری سختگیرانه، سعی در اعمال سیاست تک بُعدی و صرفاً در جهت سزادهی مجرم و بازدارندگی عمومی و راضی نگه داشتن گروه‌های هم عقیده خود دارند. از طرفی دیگر این کارفرمایان اخلاقی که نقش مهمی در سیاستگذاری دارند غالباً اجازه ورود اقلیت‌های دیگری به قلمرو تعریف و حمایت از جرایم ناشی از نفرت را نمی‌دهند. چرا که این اقلیت‌ها را در تعارض با ایدئولوژی مورد حمایت خود می‌دانند، به طور مثال در جامعه ایران ایدئولوژی غالب مذهبی اقلیت‌های غیر اساسی سازی شده را نیازمند حمایت نمی‌دانند.

۲-۳- کثرت گرا بودن سیاست کیفری^۲

گرچه به دلیل پیچیدگی و ابهامات راجع به تعریف، علل، ماهیت و تأثیرات جرایم ناشی از نفرت، سیاستگذاری در مورد آنها دشوار است، اما طراحی یک سیاست کارآمد که بتواند پاسخ‌های معقول و مؤثری را به این جرایم بدهد بسیار مهم است (Brax, Munthe, 2015: 1688) واکنش نسبت به این جرایم از آنجایی که دارای ابعاد گسترده‌تری می‌باشند و میزان آسیب این جرم برخلاف دیگر جرایم وسیع‌تر می‌باشد (قورچی بیگی، رضائیان قورچی، ۱۳۹۹: ۲۳۸)، نیازمند مدنظر قرار دادن عوامل متعددی چون: ۱- به کارگیری ضمانت اجرای متنوع ۲- گستره اقلیت موضوع جرم ۳- نحوه ارتکاب جرم ۴- تعداد مجرمین ۵- توجه به گروه حامی مجرم ۶- توجه به جبران خسارات وارده به قربانی می‌باشد. در واقع واکنش به جرایم ناشی از نفرت برخلاف جرایم سنتی باید در راستای پاسخگویی به پنج ضلع متأثر از این جرایم باشد.

^۱ کارفرمایان اخلاقی «افرادی که هنگام احساس خطر برای ارزش‌های غالب فرهنگی یا اجتماعی به هراس اخلاقی دامن می‌زنند... کارفرمایان اخلاق که خواستار مقابله با بی‌نظمی و بی‌قانونی هستند معمولاً اقدامات کنترلی را ناکافی می‌دانند.» (الهوردی، فرجیها، ۱۳۹۳: ۴)

^۲ pluralism of penal policy



پنج ضلع مورد توجه سیاستگذاران کیفری

در حقوق کیفری ایران قانونگذار به استثنای مواردی که به موجب حدود مجازات آن اعدام (مانند سب‌النبی) تعیین شده است و در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی نیز بر آن تأکید نموده است، مجازات حبس و جزای نقدی را برای جرایم ناشی از نفرت تعیین نموده است. گرچه هنوز مطالعاتی انجام نشده است که کارایی مجازات حبس را در جهت پیشگیری عمومی و اصلاح مجرمان نشان دهد (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیکی، ۱۳۹۵: ۲۳۳) و نهدهایی چون پذیرش فرهنگ زندان^۱ توسط محکومین بر آن وارد است؛ اما هنوز به عنوان متداولترین مجازات در زندانخانه تمامی نظام‌های حقوقی جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رابطه با جرایم ناشی از نفرت هیچ‌گونه تحقیقی در مورد اثربخشی مجازات حبس انجام نشده است اما به دلایلی چون امکان افراطی شدن مجرم در آینده، استفاده از آن مورد تردید قرار گرفته است (Petrosino, 2015: 185) خصوصاً این امکان افراطی شدن در جوامعی که به محکومان در حبس مشاوره‌های روانشناسی و مساعدت‌های مددکاری ارائه نمی‌شود بسیار بیشتر است. از طرفی نقدی که بر تعیین جزای نقدی به عنوان مجازات این گونه جرایم وارد می‌باشد ناشی از تناسب با گستره نقض حقوق قربانی یا قربانیان جرم می‌باشد، به این معنی که اگر مجازات ثابتی فارغ از تعداد قربانیان، شدت جرم، نحوه ارتکاب آن و تعداد مجرمان تعیین گردد امکان تحقق اهداف مجازات بسیار پایین است، امری که در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است.

در جرایم ناشی از نفرت برخلاف جرایم معمولی توجه به مجرم نقش مهمی را در بکارگیری یک سیاست مؤثر و کارآمد خواهد داشت، به این نحو که هم بازدارندگی وی از تکرار این جرایم و نیز اصلاح و بازاجتماعی شدن وی مورد توجه قرار گیرد و هم بازدارندگی گروه دارای ویژگی مشترک با مجرم، در واقع برای مقابله با این جرایم نه تنها باید مرتکبین این جرایم هدف قرار گیرند بلکه باید گروه‌های حامی این افراد مورد توجه قرار گیرند. (Dancygier, 2023: 1) برخلاف جرایم سنتی در این جرایم پاسخ به مجرم باید به گونه‌ای باشد که نه تنها بازپروری وی را مختل نکند بلکه گروه حامی وی را نیز به دلیل سختی واکنش تحریک ننماید، چرا که گروهی که خود را دارای ویژگی برتر می‌داند به تمامی اعضای خود وفادار است و مجازات شدن خصوصاً اگر مجازات شدید باشد را نمی‌پذیرند و این پاسخ نامناسب موجب می‌شود که این افراد اقدامات تلافی جویانه‌ای را در قبال آن قربانی و گروه وی که دارای ویژگی مشترک با قربانی هستند را انجام دهند، چرا که مجرمان در جرایم ناشی از نفرت مطابق تحقیقات انجام گرفته توسط دونبار به دنبال تسلط اجتماعی هستند و نه مال و (Dunbar, 2003: 209) بنابراین این اقدامات واکنشی علیه مجرم اگر مبتنی بر شناخت سبک زندگی، ایدئولوژی، میزان فاصله با ویژگی‌های اقلیت و ریشه تاریخی تعصبات نباشد نه تنها موجب ناکارآمدی واکنش‌ها می‌شود، بلکه گروه‌های حامی مجرم را نیز به تأکید مضاعف بر تنفر خود از اقلیت قربانی ترغیب می‌نماید.

¹ prisonization

۲-۴- رویکرد صلح مدار

غایت تمامی سیاستگذاری‌های کیفری باید کاهش و حذف شکاف بین اجزای مختلف جامعه باشد، به این معنی که آن علل و عواملی که منجر به شکاف بین گروه‌های یا افراد از یکدیگر می‌شود را شناسایی و راه‌حل پیوست دوباره جامعه را ارائه نمایند. با وقوع هر جرمی یک شکاف بین فرد یا گروه مجرم با جامعه ایجاد می‌شود و در چنین شرایطی اگر سیاست‌های کیفری در راستای صلح و تساهل نباشند ممکن است شکاف موجود عمیق‌تر شود. حال در جرایم ناشی از نفرت فرد مجرم در بسیاری مواقع عمل مجرمانه را در راستای ایمان، اعتقاد و وفاداری به ایدئولوژی خود انجام می‌دهد، این همان موضوعی است که امروزه تحت عنوان «جهل مقدس»^۱ شناخته می‌شود، در چنین شرایطی مجرم چنین تصور می‌کند که مجازات شدن وی ناعادلانه است و انتظار دارد که گروه حامی وی اقداماتی را در جهت حمایت از وی انجام دهد، که برخی از این موارد مانند شدت خشونت علیه اقلیت قربانی شده و دیگر قربانیان خواهد بود.

نکته مهم این است که صرف تشدید مجازات‌ها که برخی آن را به دلیل آسیب بیشتر جرایم ناشی از نفرت توجیه می‌کنند (Brax, Munthe, 2015: 1691)، به تنهایی و بدون توسل به شیوه‌های صلح‌مدار و جایگزین^۲ همچون عدالت ترمیمی که دارای اهدافی چون «اصالت روابط شخصی، جبران، بازپذیری و مشارکت» است (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۴) نمی‌تواند کینه و عدم اعتماد مجرم و قربانی و گروه‌های حامی و جامعه را به بازگشت به شرایط هم‌گرایی امیدوار نماید. مدل کلاسیک و نئوکلاسیک حقوق کیفری بیشتر بر جرم تأکید می‌کنند تا مجرم، اما جنبش به رسمیت شناختن جرایم ناشی از نفرت سعی می‌کند مجرم و انگیزه‌ها و نگرش‌های وی را مورد بررسی قرار دهد (Jacobs, Potter, 1997: 2) بنابراین با توجه صرف به جرم نمی‌توان انتظار داشت که غایت سیاستگذاران را که همبستگی دوباره و نزدیک شدن جامعه به هم است تأمین گردد. حال در سیاست کیفری ایران به دلیل آنکه صرفاً واکنش کیفری نسبت به مجرم مدنظر بوده است و

در عمل اقداماتی راجع به حمایت از اقلیت‌های عرفی^۳ و قانونی انجام نمی‌گیرد، نمی‌توان قائل به این بود که یک سیاست صلح‌مدار در جامعه حاکم است.

۳- چالش‌های سیاستگذاری کیفری

در ذیل این مبحث مهمترین چالش‌های سیاستگذاری کیفری ایران در رابطه با جرایم ناشی از نفرت مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- عدم وجود آمار جنایی

یکی از عوامل مهم در جهت تدقیق و بررسی عمل مجرمانه آمار است (لویی برول و همکاران ۱۳۷۱: ۳۸)، در واقع شناخت کمیت یک جرم یکی از مهمترین نیازهای سیاستگذاری است به این معنی که سیاستگذاران تا زمانی که از کمیت جرایم شناخت درستی نداشته باشند قادر نخواهند بود که به استناد صرف وقوع یک جرم به صورت موردی راهبردهای مقابله با آن جرم را طراحی نمایند. از طرفی یکی از مزایای مهم وجود آمار جنایی روشن کردن زوایای مختلف پدیده مجرمانه و شکستن تصورات قالبی^۴ از جرم، مجرم و جغرافیای جرم است. آمار جنایی در کنار اینکه قانونگذار و دیگر عوامل سیاستگذاری را از وقوع جرم مطلع می‌کند به متخصصان امور جنایی مانند جامعه‌شناسان جنایی، جرم‌شناسان و مسیری نسبتاً روشن و دارای چارچوب را برای به تحلیل گذاشتن پدیده مجرمانه و نیز پی بردن به علل وقوع آن خواهد داد. با این حال به دلیل وجود رقم سیاه^۵ نمی‌توان در کارایی آمار جنایی اغراق کرد. (حسینی، مصطفی پور، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

حال در مورد جرایم ناشی از نفرت، آمار جنایی علاوه بر ضعف کلی دولت‌ها در تهیه آمار با دشواری‌های دیگری همراه است به این معنی که قدرت اکثریت به دلایلی رغبتی به تهیه آمار جرایم ناشی از نفرت ندارد چراکه وجود این آمارها نه تنها ممکن است زمینه‌ساز خلل به قدرت اکثریت و

^۳ منظور اقلیت‌هایی است که عرف جوامع آن را پذیرفته ولی در قوانین و مقررات به دلایلی به آنها پرداخته نشده است.

^۴ stereotype

^۵ dark number

^۱ holey ignorance

^۲ alternative

که خصیصه بارز آن تکیه بر نظریات غیر کارشناسانه و نیز بها دادن حداکثری به جریان اصلی در جامعه می‌باشد.

۳-۲- عدم توازن در به رسمیت شناختن قانونی تفاوت‌ها

حمایت دولت‌ها از یک نژاد، مذهب خاص و ... در قوانین نه تنها نادیده انگاری حقوق بشر می‌باشد، بلکه در قرن جدید شائبه بازگشت به دوران جدال بر سر نژاد برتر را در اذهان تداعی می‌کند، در واقع فرضیه نژاد برتر موجب نادیده‌انگاری حق بر متفاوت بودن و از طرفی به دست گرفتن قدرت و تلقی کردن تعرض اکثریت به اقلیت‌ها به عنوان نمودی عادلانه می‌باشد و به قول میخائیل نستورخ «این همان ماسک ایدئولوژیکی است که امپریالیست‌ها بر چهره سیاست خود می‌زنند.» (نستورخ، ۱۳۵۸: ۱۸۶)

قوانین اساسی در تمامی کشورها خطمشی اصلی حکومت‌ها را تعیین می‌کنند و مقررات قانونی (قوانین عادی) و فرو قانونی (تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها) در همان مسیر قانون اساسی و مطابق با آن وضع می‌شوند. در واقع نوع حکومت‌ها و میزان اعتقاد آنها به حقوق بشر موجب می‌گردد که قانون اساسی فراگیر باشد یا غیرفراگیر. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونگذار در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ... از حقوق ملت خصوصاً حقوق اقلیت‌ها و شناسایی آنها صحبت کرده است، اما موضوع مهم در رابطه با سیاستگذاری کیفری در مورد جرایم ناشی از نفرت این است که صراحت برخی از اصول مانند اصل ۱۲ (دین و مذهب رسمی کشور)، اصل ۱۳ (شناسایی اقلیت‌های دینی) و اطلاق برخی اصول مانند اصل ۱۵ (زبان‌های محلی و قومی) و اصل ۱۹ (حقوق مساوی مردم ایران) موجب شده است در قوانین عادی مانند ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی صرفاً اقوام ایرانی و اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی مورد حمایت قرار گیرند. و این اساسی‌سازی در کشور ما از آنجای که دارای پشتوانه ملی و مذهبی محکمی می‌باشد عدول از آن و تعمیم دادن قوانین عادی و مقررات فروع قانونی به تمامی اقلیت‌ها را غیرممکن ساخته است. در واقع سیاستگذاری کیفری ایران با وجود اساسی‌سازی حمایت از

بروز خشونت بیشتر از جانب اقلیت‌ها باشد، ممکن است پایه‌های لرزان و ظاهری قوانینی که معمولاً حقوق اقلیت‌ها را نیز مورد توجه قرار داده اند نشان دهد و در نتیجه سیاست‌های نابرابر حاکم را برملا سازد و چنین امری مورد پسند بسیاری از حکومت‌ها که از سطح پایینی از دموکراسی برخوردار هستند نمی‌باشد. در ایران گرچه تقریباً در مورد تمامی جرایم آمارهای رسمی و قابل استنادی وجود ندارد؛ اما در مورد جرایم ناشی از نفرت بنا به دلایل پیش‌گفته و نیز اساسی‌سازی ایدئولوژی حاکم و تا حدودی تأکید بر سیاست انکار و اعمال فشارهایی که از جانب اکثریت‌ها تحمیل می‌شود هیچ گونه آماری از جرایمی که علیه اقلیت‌ها به وقوع پیوسته در دسترس نمی‌باشد.^۱ گرچه در این مورد نمی‌توان نقش مبهم بودن تعریف جرم ناشی از نفرت را در این موضوع نادیده گرفت؛ چرا که تا زمانی که جرمی به روشنی تعریف نشود نمی‌توان به دنبال جمع‌آوری کمیت وقوع آن بود. با این حال سیاست کیفری غیر منسجم پیش رو در ایران دارای ضعف نداشتن پشتوانه آمار جنایی می‌باشد.

سیاست کیفری و به تبع آن شناسایی جرم و مجازات، برای اینکه اهداف مورد نظر سیاستگذاران را تأمین نماید باید مبتنی بر رویکردهای علمی و آمار وقایع مستلزم جرم‌انگاری باشند، و صرف جرم‌انگاری بدون مطالعات علمی را نمی‌توان سیاست کیفری مناسب نامید، در واقع «متداولترین مقوله معیار در عدالت کیفری میزان جرم و جنایت است- خواه میزان جرم کلی یا نرخ برخی از انواع خاص جرم یا مجموعه‌ای از جرایم.» (Kleinfeld, Dancig-Rosenberg, 2022: 828) حال در ایران قانونگذار کیفری با وقوع جرایم ناشی از نفرت بدون پشتوانه آماری متقن اقدام به جرم‌انگاری محدود نموده است و چنین سیاستی را که نه وضع آن دارای پشتوانه علمی و آماری است و نه ارزیابی آن امکان‌پذیر است را می‌توان نمونه‌ای از سیاست جنایی سرگردان دانست، سیاستی

^۱ این در حالی است که در برخی کشورها نه تنها آمارهای منسجمی در مورد این جرایم وجود دارد و سالانه منتشر می‌شود، بلکه قوانین خاصی در مورد آمار جرایم ناشی از نفرت به تصویب رسیده است، برای مثال در سال ۱۹۹۰ کنگره ایالات متحده آمریکا قانون آمار جرایم ناشی از نفرت (hate crime Statistics Act) را تصویب نمود.

از یک طرف وفاداران به گروه اکثریت را نیاز دارند و هم اینکه خود را از تلاش در جهت سامان دادن به اقلیت‌ها و حمایت از آنها رها کنند. در ایران به دلایلی چون مخالف امنیت ملی بودن برخی اقلیت‌ها و نیز مخالف بودن اعمال برخی دیگر از اقلیت‌ها با حدود الهی^۳ موجب شده است که بسیاری از اقلیت‌ها هم در سیاست‌گذاری‌ها و هم در رسانه‌ها سانسور شوند. نقدی که بر این عملکرد در رابطه با عدم شمول سیاست‌گذاری‌های کیفری در جرایم ناشی از نفرت بر این سیاست وارد است این است که حمایت کیفری از اقلیت‌ها لزوماً به معنای رسمیت دادن به گروه‌های دارای ویژگی متفاوت نیست، بلکه صرف قرار دادن این اقلیت‌ها در دایره جرایم ناشی از نفرت است، به این معنی که قربانی شدن هر عضو یا گروه اقلیتی با انگیزه نفرت از آن اقلیت در دایره این جرایم قرار بگیرد.

۳-۴- ابهام مفهومی جرم ناشی از نفرت

منحصر به فرد بودن این جرم به نسبت سایر جرایم (شیروی، ۱۳۹۹: ۱۷۵) در مفهوم آن تأثیر گذاشته است. در ایران به دلیل جدید بودن ادبیات جرم ناشی از نفرت و از طرفی رسمیت ندادن به آن به صورت جدی از جانب قانونگذار کیفری با مفهومی مبهم و بدون چارچوب از جرایم ناشی از نفرت روبرو می‌باشیم. یکی از چالش‌های اساسی در سیاست‌گذاری در حوزه نفرت و به صورت خاص در سیاست کیفری در مورد جرایم ناشی از نفرت نبود تعریفی واحد و مورد قبول از این جرم می‌باشد در واقع تعاریف ارائه شده از جرایم ناشی از نفرت به دلیل اهداف متفاوتی که ارائه‌کنندگان آن یعنی جرم‌شناسان، متخصصان قانونگذاری و در پی آن هستند متفاوت است. (Chalmers, Leverick, 2017: 4) در سطح بین‌المللی از سوی سازمان‌های بین‌المللی هم تعریفی ارائه نشده است (Schweppe, 2021: 2) از طرفی در قوانین کیفری ملی به دلیل وجود عواملی چون ایدئولوژی حاکم، سطح دموکراسی و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم در جامعه تعاریف متفاوتی ارائه شده است. همچنین به دلیل اینکه جرایم ناشی از نفرت یک فرآیند پویا هستند

اقلیت‌های محدودی از بروز و ظهور تام خود برای ورود در سیاست‌گذاری تمامی اقلیت‌ها تحت لوای جرایم ناشی از نفرت با موانع جدی روبه رو می‌باشد و این امر موجب می‌شود مبانی سیاست‌گذاری کیفری در قبال این جرایم خصوصاً پیشگیری از ایجاد شکاف و ناامنی^۱ تأمین نگردد.

۳-۳- غلبه گفتمان نبود شکاف در جامعه

نظام‌های مختلف سیاسی برخوردهای متفاوتی با اقلیت‌ها داشته و در حمایت‌های قانونی نیز رویکردهای مختلفی را در پیش می‌گیرند، در بسیاری از جوامع تمامی اقلیت‌ها در جامعه یا در قوانین به رسمیت شناخته می‌شوند یا گرچه ممکن است به صورت رسمی مورد پذیرش توسط قوانین قرار نگرفته باشند اما از تمامی حقوق برخوردار بوده و اقلیت بودن آنها با وجود پشتوانه قانونی نمی‌تواند موجبی برای مورد تنفر قرار گرفتن از جانب گروه‌های رقیب و اکثریت باشد، این در حالی است که در برخی دیگر از جوامع یا اعتقادی به اقلیت‌ها ندارند و یا با اینکه آنها را به عنوان شهروند می‌پذیرند اما حقوق آنها در قوانین به رسمیت شناخته نمی‌شود.^۲ حال در رابطه با جرایم ناشی از نفرت تعریف ارائه شده از این جرم در جوامع مختلف تابعی از میزان رسمیت بخشی به این اقلیت‌ها می‌باشد. در جوامع دموکرات اصل «حق بر متفاوت بودن» مورد پذیرش قرار گرفته است اما در جوامع غیردموکرات اصل «تو یکی از ما هستی یا نیستی» جایگزین اصل «حق بر متفاوت بودن» می‌شود. (روا، ۱۳۹۸: ۲۱۷). در برخی جوامع با استفاده از قدرت تفکرات پوپولیستی رسانه‌ای سعی در انکار اقلیت‌ها و جلوه دادن جامعه‌ای هم‌رنگ و فاقد شکاف دارند تا

^۱ حافظ می‌فرماید:

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند در واقع حاکمان مصداق ساقیان در این بیت حافظ هستند به این معنی که اگر عدالت را در حق تمامی باده‌خواران (اقلیت‌ها) رعایت نکنند، آنها برای گرفتن حق خود شورش می‌کنند و نظم حاکم را بر هم می‌زنند. (ح. ۱۳۸۴: ۲۶).

^۲ مصداق بارز این نادیده انگاری و انکار را می‌توان در ماده ۷ قانون خطامشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۰۴/۱۷ دید که صدا و سیما را بیشتر متعلق به اکثریت اعتقادی مسلمان و ... دانسته است، و این در اختیار نداشتن تریبون از جانب اقلیت‌ها موجب می‌شود که آنها نتوانند ریشه‌های تنفر از خود را بیان و اذهان عموم را نسبت به بی‌اساس بودن برخی از تعصبات روشن کنند و این یعنی سد کردن سیاست‌گذاری‌های کیفری برای رسیدن به نتایج مدنظر.

^۳ مانند گروه‌های اقلیت جنسی.

فقدان آمار این جرایم، سیاست نبود شکاف در جامعه، اساسی‌سازی حمایت و وجود کارگزاران اخلاقی برنامه منسجمی وجود ندارد و تعریف ارائه شده از این جرم بسیار محدود است، محدودیتی که هم در اعمال مجرمانه با انگیزه نفرت ممکن است اتفاق بیفتد که مطابق ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی صرفاً جرم توهین را مقرر نموده است و هم در شمول اقلیت‌ها که تنها قومیت‌های ایرانی و اقلیت‌های دینی و مذهبی را در برمی‌گیرد. از طرفی لزوم قصد ایجاد ناامنی و تنش در جامعه و مقید به نتیجه بودن این جرم امکان اثبات آن را دشوار کرده است.

نکته دیگر اینکه سیاست کیفری ایران در رابطه با این جرایم یک سیاست کاملاً تک بعدی است به این نحو که صرفاً سرزنش مجرم و بازدارندگی عمومی از ارتکاب این جرایم مورد توجه بوده و توجهی به گروه‌های حامی مجرم و قربانی و جامعه دارای ویژگی مشترک با او را نداشته است. این در حالی است که بهترین سیاست به کارگیری عدالت ترمیمی و تلاش در جهت دخیل کردن تمامی طرف‌های جرم و جبران خسارات وارده به قربانی مستقیم و گروه‌های حامی وی می‌باشد. از طرفی اساسی‌سازی تعداد اندکی از اقلیت‌ها و در پیش گرفتن انکار و سانسور سایر اقلیت‌ها با بهانه حفظ یکپارچگی جامعه مهمترین چالش‌های سیاستگذاری در حقوق کیفری ایران می‌باشد. علی‌الخصوص سیاستگذاری در حوزه حمایت از اقلیت‌های دینی و جنسی که با هجمه جامعه مذهبی و موانع قانونی چون حدود مواجه است. بنابراین بهترین سیاست در قبال این جرایم تلاش همه جانبه حاکمیت در جهت شناساندن اقلیت‌ها و تعیین حقوق برابر برای آنها می‌باشد تا تصور جایگاه پست آنها موجب تجری افراد در جهت ارتکاب جرم علیه آنها نگردد. در واقع میزان درگیری جوامع با این جرایم و موفقیت در نیل به اهداف سیاست کیفری تابعی از میزان رعایت حقوق بشر و برابری در جامعه و بها دادن به انسان به ما هو انسان از جانب حکومت‌ها می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش رعایت گردید.

(Perry, 2021: 1) تحولات اجتماعی، فرهنگی و آشکار شدن یا ظهور اقلیت‌های متفاوت که هر کدام از جریان اصلی حاکم در جامعه متمایز هستند موجب پیچیدگی در ارائه تعریف از آن می‌شود. جرایم ناشی از نفرت که اغلب از آنها به جرم با انگیزه تعصب^۱ و سوگیری یاد می‌شود (Farrell, 2003: 108) یک مفهوم غامض است (Garland, Chakraborti, 2012: 48). امروزه علاوه بر نسبی بودن جرم^۲ و به تبع آن تعریف جرایم، جدید بودن جرایم ناشی از نفرت و نوپا بودن ادبیات آن در جوامع تعریفی دقیق از این جرم که مورد قبول تمامی قانونگذاران ملی و بین‌المللی باشد را دشوار ساخته است.

نتیجه گیری

رسمیت یافتن جرایم ناشی از نفرت به عنوان جرمی که قدمتی چند دهه‌ای در ادبیات حقوقی دارد به دلیل موضوع آن که نادیده‌انگاری حقوق افراد متفاوت از حیث برخی ویژگی‌ها و نادیده گرفتن حق بر متفاوت بودن است در سیاستگذاری جوامع رخنه کرده است، جرم ناشی از نفرت به دلیل هدف قرار دادن حقوق بشر و احتمال بروز ناامنی‌ها در سطح ملی و بین‌المللی نیازمند سیاستگذاری‌های علمی و مبتنی بر شناخت همه‌جانبه از مجرم و قربانی و گروه‌های حامی مجرم و قربانی می‌باشد. در واقع برخلاف جرایم سنتی که شخص مجرم نقطه ثقل سیاستگذاری‌ها خصوصاً سیاست‌گذاری کیفری بوده است و تاحدودی نیز قربانی مستقیم جرم مورد توجه بوده است، در جرایم ناشی از نفرت هرگونه سیاستگذاری بدون توجه به گروه‌های حامی و دارای ویژگی مشترک با قربانی و مجرم محکوم به شکست است.

مهمترین قدم در سیاستگذاری کیفری نسبت به جرایم ناشی از نفرت شناخت این جرم و تعریف آن به صورت روشن و با گستره موضوعی می‌باشد. در سیاست کیفری ایران به دلیل

¹ bias- motivated

^۲ جرم بودن یا نبودن یک عمل به هنجارهای حاکم بر جامعه بستگی دارد، در واقع «برابر شدن هر جامعه با جرم اساسی‌ترین وسیله شناختن و ارزیابی ارزش‌های جاری و مرسوم آن جامعه» می‌باشد (لویی برول و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۲) و به گفته پاسکال «حقیقت در این سوی کوه‌های پیرنه، دروغ در آن سو است» (کسن، ۱۳۸۷: ۱۸).

تعارض منافع: تدوین این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع می‌باشد.

سهم نویسندگان: این مقاله از آنجای که مستخرج از رساله دکتری می‌باشد توسط دانشجو و با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور نگارش یافته است و لذا نتیجه تلاش تمامی نویسندگان می‌باشد.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند خصوصاً استاد گرامی جناب آقای دکتر شهرام ابراهیمی کمال تشکر را داریم.

تأمین اعتبار پژوهش: انجام این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی

- الهوردی، فرهاد، فرجیها، محمد (۱۳۹۳). «جرم انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک»، مجله جهانی رسانه، نسخه فارسی، ۹(۱): ۱۷-۱.
- حسینی، سید محمد، مصطفی پور، مسعود (۱۳۹۶). «رقم سیاه، چالشی فراوری آمار جنایی رسمی (با رویکردی تطبیقی بر آمریکا و ایران)»، مطالعات حقوق تطبیقی، ۸(۱): ۱۰۳-۱۲۹.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت و انتشارات دانشگاه تهران.
- ح، ا (۱۳۸۴). «ساقی به جام عدل بده»، نشریه حافظ، شماره ۲۰: ۲۶-۲۶.
- رواء، اولویه (۱۳۹۸). چهل مقدس زمان دین بدون فرهنگ، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: نشر مروارید.
- ساعی، محمدصادق، میرخلیلی، سید محمود، عالی پور، حسن. (۱۴۰۱). «سیاستگذاری در قبال جرایم ناشی از نفرت در ایران؛ تلاقی ارزش‌های جمعی و باورهای

فردی»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، (۲) ۵: ۵۸۵-۶۱۳

- شیروی، مهسا (۱۴۰۰). «تبعی بر لزوم حمایت از سلامت معنوی زنان بزه‌دیده جرم‌های برخاسته از نفرت در سامانه عدالت جنایی»، تعالی حقوق، ۶(۴): ۱۷۰-۲۰۰.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی، تهران: انتشارات سمت.
- -قورچی‌یگی، مجید، رضائیان کوچی، محمدرضا (۱۳۹۹). «تحلیلی بر بایسته‌های سیاست کیفری بزه‌دیده‌مدار در جرائم ناشی از نفرت»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۲): ۲۱۳-۲۴۴.
- -کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۸). تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، مترجم حسین میرمحمدصادقی، تهران: نشر جنگل.
- کسن، موریس (۱۳۸۷). اصول جرم‌شناسی، مترجم میرواح‌الدین صدیق، تهران: نشر دادگستر.
- لویی برول، هانری، کوویلیه، ارمان، گوروپچ، ژرژ، لواسور، ژرژ (۱۳۷۱). حقوق و جامعه‌شناسی، مترجم مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).
- نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین، هاشم بیکی، حمید (۱۳۹۵). دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: نشر گنج دانش.
- نستورخ، میخائیل (۱۳۵۸). مبدا، نژاد انسان، مترجم هوشنگ مشکین پور، فرامرز نعیم، تهران: نشر اندیشه.

ب. منابع انگلیسی

- Boeckmann, Robert J, Petrosino, Carolyn Turpin (2002). "Understanding the harm hate crime", *journal of social issues*, 58(2): 207-225.
- Brax, D., & Munthe, C. (2015). "The Philosophical Aspects of Hate Crime and Hate Crime Legislation: Introducing the Special Section on the Philosophy of Hate Crime". *Journal of Interpersonal Violence*, 30(10): 1687-1695.
- Brudholm, Thomas (2014). "Hate Crimes and Human Rights Violations". *Journal of Applied Philosophy*, 32 (1): 82-97.

- Kleinfeld, Joshua and Dancig-Rosenberg, Hadar, (2022). "Social Trust in Criminal Justice: A Metric", *Notre Dame Law Review*. Vol. 98: 815- 884.
- Maroney, Terry A. (1998), "The Struggle Against Hate Crime: Movement at a Crossroads, *New York University Law Review*. 564, Available at: <https://scholarship.law.vanderbilt.edu/faculty-publications/764>
- McDonald, S. Hogue, Andrea, An exploration of the needs of victims of hate crimes, Canadian Electronic Library. Canada. Retrieved from <https://policycommons.net/artifacts/1214026/an-exploration-of-the-needs-of-victims-of-hate-crimes/1767126/> on 25 Jan 2024. CID: 20.500.12592/96b1cs.
- McPhail, B. A. (2000). "Hating Hate: Policy Implications of Hate Crime Legislation", *Social Service Review*, 74(4): 635-653.
- Malcom, Z. T. (Z. T.). (2021). Punishing Hate: Examining Individual and Contextual Variation in Support for Hate Crime Laws. Retrieved from.
- Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). (2009). Hate crime laws: A practical guide. OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). <https://www.osce.org/odihr/36426>
- Potter, Nancy Nyquist. (2006). "What is Manipulative Behavior, Anyway?", *Journal of Personality Disorders*, 20(2): 139-156.
- Perry, B. (2001). *In the Name of Hate: Understanding Hate Crimes* (1st ed.). New York, Routledge.
- Petrosino, Turpin C. (2015). Understanding hate crimes: Acts, motives, offenders, victims, and justice. Routledge/Taylor & Francis Group.
- Schweppe, Jennifer. (2021). "What is a hate crime?", *Cogent Social Sciences*. 7: 1-15.
- <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-minority-issues/about-minorities-and-human-rights>
- https://purl.lib.fsu.edu/diginole/2020_Summer_Fall_Malcom_fsu_0071N_16498
- Chalmers, J. and Leverick, F. (2017). A Comparative Analysis of Hate Crime Legislation: A Report to the Hate Crime Legislation Review. Other. Scottish Government, Edinburgh.
- Dunbar, Edward (2003). "symbolic, relational, and ideological signifiers of bias-motivated offenders: toward a strategy of assessment", *American journal of Orthopsychiatry*, No. 2: 203- 210.
- Dancygier, Rafaela. (2023). Hate crime supporters are found across age, gender, and income groups and are susceptible to violent political appeals. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 120(7), Article e2212757120.
- Freilich, Joshua. D, Chermak, Steven .M (2013). hate crime s problem- oriented guide for police problem - specific guides series. N.72. U.S. department of justice. (project).
- Farrell, Amy and Lockwood, Sarah (2023). "Addressing Hate Crime in the 21st Century: Trends, Threats, and Opportunities for Intervention". *Annual Review of Criminology*, Vol. 6: 107-130.
- Garland, J., & Chakraborti, N. (2012). "Divided by a common concept? Assessing the implications of different conceptualizations of hate crime in the European Union". *European Journal of Criminology*, 9(1): 38-51.
- Green, D. P., McFalls, L. H., & Smith, J. K. (2001). "Hate Crime: An Emergent Research Agenda". *Annual Review of Sociology*, 27: 479-504. <http://www.jstor.org/stable/2678630>
- Han S, Riddell JR, Piquero AR (2023). "Anti-Asian American Hate Crimes Spike During the Early Stages of the COVID-19 Pandemic". *J Interpers Violence*, 38(3-4): 3513-3533.
- Jacobs, J, B, potter, K, A (۱۹۹۷) . "Hate Crimes: A Critical Perspective (From Crime and Justice: A Review of Research", *crime and justice a review of research*, Vol 22: 1-50.
- Kingspor, Klara (2008). the challenges of collecting statistical data in the field of hate crime: the case of Sweden in: hate crime, papers from 2006 and 2007 Stockholm criminology symposiums.

پ. سایت‌های اینترنتی

- <https://www.pgnews.ir/?p=69357> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۲۸، (پایگاه خبری خلیج فارس).
- <https://www.didbaniran.ir/fa/tiny/news17941> 7، تاریخ دسترسی ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۲۸، (پایگاه خبری تحلیلی دیده‌بان ایران).
- asriran.com/003xiQ تاریخ دسترسی ۱۴۰۲ / ۰۱ / ۱۲، (سایت تحلیلی خبری عصر ایران).

- <https://snn.ir/fa/news/767672/> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۲۶، (خبرگزاری دانشجو).
- <https://www.jamaran.news/914483> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۲۶، (پایگاه خبری جماران).